

الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ الْكَامِلَةُ

کهن ترین نسخه موجود صحیفه سجادیه

نسخه برگردان و تنویر شماره ۱۲۴۰۵
کتابخانه آستان قدس رضوی
کتابت ۱۶۴۵ هـ.

بامقدمه

احمد مهدوی دامغانی

سید محمد حسین حکیم



- سرشناسه : علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۲۸-۹۴ ق.
- Ali ibn Hosayn, Imam IV
- عنوان قراردادی : صحیفه سجادیه
- عنوان و نام پدیدآور : الصحيفة السجادية الكاملة: کهن ترین نسخه موجود صحیفه سجادیه / با مقدمه احمد مهدوی دامغانی، سید محمدحسین حکیم.
- مشخصات نشر : تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب؛ ۱۳۹۹
- مشخصات ظاهری : نود و پنج، ۸۹، ۲۳ ص. : نمودار، نمونه.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۲۵۲. نسخه برگردان؛ ۳۷.
- شابک : 978-600-203-208-9
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- یادداشت : نسخه برگردان دستنویس شماره ۱۲۴۰۵ کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابت ۴۱۶ هـ
- یادداشت : ص.ع. به انگلیسی: Sahifeh-yi Sajjadiyah Kamilah...
- یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
- موضوع : علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۲۸ - ۹۴ ق. صحیفه سجادیه - نسخه های خطی.
- موضوع : Ali ibn Hosayn, Imam IV. Sahifeh Sajjadih-Manuscripts
- موضوع : دعاها
- موضوع : Prayers
- موضوع : دعاها - نسخه های خطی
- موضوع : Prayers-Manuscripts
- شناسه افزوده : مهدوی دامغانی، احمد، ۱۳۰۶ - ، مقدمه نویس
- شناسه افزوده : Mahdavi Damghani, Ahmad
- شناسه افزوده : حکیم، سید محمد حسین، ۱۳۶۶ - ، مقدمه نویس
- شناسه افزوده : مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
- رده بندی کنگره : BP ۲۶۷/۱
- [Z۶۶۱۱]
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲
- [۰۱۱/۳۱]
- شماره کتابشناسی ملی : ۷۳۷۲۶۵۷
- وضعیت رکورد : فیبا

الصحيفة السجّادية الكاملة

کهن ترین نسخه موجود صحیفه سجّادیه

نسخه برگردان دستنویس شماره ۱۲۴۰۵

کتابخانه آستان قدس رضوی

کتابت ۴۱۶ هـ.

با مقدمه

احمد مهدوی دامغانی

سید محمد حسین حکیم



بنیاد پژوهش‌های اسلامی
آستان قدس رضوی



مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

تهران ۱۳۹۹ هـ ش

الصحيفة السجّادية الكاملة

•
کهن ترین نسخه موجود صحیفه سجّادیه

•
با مقدمه

احمد مهدوی دامغانی

سید محمد حسین حکیم

•
ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی

مصطفی امیری

•
ناشر: میراث مکتوب

با همکاری

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

مدیر تولید: محمد باهر

آماده سازی تصاویر و صفحه آرا: محمود خانی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملو فرد

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها با جلد سخت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۲۰۸-۹ ISBN 978-600-203-208-9

چاپ و صحافی: الفبا

شماره فروش:

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

بسم الله الرحمن الرحيم

دریای از فرهنگ پر باده اسلام و ایران در خنده های طلی موجی زند. این نسخه با حقیقت کار نموده
و دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت نامیده ایرانیان است بر عمده و بنی است که این میراث
پارچ را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیای
و بازسازی آن اهتمام ورزد.

بایده کوششی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و متع در
آنها انجام گرفته و صد کتاب و رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار نگرفته بسیار است و هزاران
کتاب و رساله فنی موجود در کتابخانه های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است بسیاری
از متون نیز اگرچه بارها طببع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد.

احیاء و نشر کتاب با و رساله های فنی و فنی است بر روش محققان و مؤسسات فرهنگی
مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت
از کوشش های محققان و محققان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و
علاقه مندان به دانش و فرهنگ علمی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه ای ارزشمند از متون
و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

از فعالیت های دیگر مرکز چاپ نسخه برداردان (فایکسید) نسخه های فنی ارزشمند است.
از این رو، با استفاده از تجاربی که تاکنون به دست آمده و با توجه به فعالیت های
پیشین، در یک طرح منظم و روشمند به نشر میراث مکتوب از نسخه های فنی را به صورت نسخه برداردان با
مقدمه و نوآوری های سودمند در دسترس پژوهشگران قرار خواهیم داد.

این اثر که چاپ نسخه برداردان یکی از نفیس ترین کتب ترین نسخه های موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی
است، با مشارکت و همکاری بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی چاپ و
منتشر شده است.

سید محمود مرویان حسینی

مدیر عامل بنیاد پژوهشهای اسلامی

آستان قدس رضوی

اکسب ایرانی

مدیر عامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

فهرست مطالب

گزارش نسخه / احمد مهدوی دامغانی	یازده
صحیفه سجاده کامله در خراسان تا قرن نهم هجری / سید محمد حسین حکیم	سی و نه
نخستین پیوندها	چهل
نسخه مشهود: کهن ترین نسخه صحیفه سجاده	چهل و سه
کرامیه و شیعیان	پنجاه و نه
طریق دوم روایت ابن مالک	شصت و هشت
صحیفه سجاده و زیدیه	هفتاد و سه
صحیفه سجاده در تفسیرها و مجامیع دعایی خراسان	هفتاد و هفت
ترجمه صحیفه سجاده در خراسان	هشتاد و یک
منابع	هشتاد و پنج

الصحيفة السجادية الكاملة

(کتاب فی الدعوات و یسمى کتاب الکامل)

۱. [دعاؤه فی التحمید لله عزوجل و الصلاة علی رسول الله] ۳۷ ب
۲. دعاؤه فی الشکر ۴۰ ا
۳. دعاؤه فی الاستعاذة ۴۱ ب
۴. دعاؤه فی التوبة ۴۲ ا

٥. دعاؤه في العفو.....ب٤٢
٦. دعاؤه في الرحمة.....أ٤٣
٧. دعاؤه في مناجاته.....ب٤٣
٨. دعاؤه في الاعتذار.....ب٤٤
٩. دعاؤه في الافالة.....أ٤٥
١٠. دعاؤه في الاخلاص.....ب٤٦
١١. دعاؤه لنفسه.....ب٤٦
١٢. دعاؤه في الابتلاء.....أ٤٧
١٣. دعاؤه في الرغبة.....ب٤٧
١٤. دعاؤه في الطلبة.....ب٤٧
١٥. دعاؤه في التحميد.....أ٤٨
١٦. دعاؤه لابويه.....ب٥٠
١٧. دعاؤه في جيرانه.....ب٥١
١٨. دعاؤه لاهل الثغور.....أ٥٢
١٩. دعاؤه لرمضان و دخول شهره.....أ٥٤
٢٠. دعاؤه في وداع شهر رمضان.....أ٥٦
٢١. دعاؤه في التوبة و ذكرها.....ب٥٩
٢٢. دعاؤه في الحوائج.....ب٦١
٢٣. دعاؤه اذا ظلم.....ب٦٢
٢٤. دعاؤه اذا تضرع.....أ٦٣
٢٥. دعاؤه اذا اصبح.....أ٦٥
٢٦. دعاؤه اذا نزلت به مهمة.....أ٦٦
٢٧. دعاؤه اذا نظر الى اهل الدنيا.....ب٦٦

٢٨. دعاؤه اذا رأى الهلال.....	١٦٧أ
٢٩. دعاؤه فى الشكوى.....	١٦٧ب
٣٠. دعاؤه حين ذكر الشيطان.....	١٦٨أ
٣١. دعاؤه اذا مرض.....	١٦٨ب
٣٢. دعاؤه اذا دفع عنه مكروه.....	١٦٩أ
٣٣. دعاؤه اذا رأى السحاب و الرعد.....	١٦٩ب
٣٤. دعاؤه اذا رأى مبتلى بفضيحة.....	١٧٠أ
٣٥. دعاؤه فى الاستخارة.....	١٧٠أ
٣٦. من جامع دعاؤه اذا مجد.....	١٧٠ب
٣٧. دعاؤه اذا خصّ نفسه.....	١٧١ب
٣٨. دعاؤه فى الحمد.....	١٧٤ب
التدبة.....	١٧٦أ
دعاء حسن.....	١٧٧ب
لختم القرآن.....	١٧٨أ
سند الصحيفة السجادية.....	١٧٩ب

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

خوانندگان ارجمند و فاضل این سطور و مقدمه مفصلی که برای معرفی این مخطوطه نفیس به عرضتان رسانده‌ام:

اگر بدانید که من بنده حقیر ناچیز که قریب نود و پنج سال از عمرم گذشته است با چه ضعف و زحمت و صرفاً برای ادای وظیفه نوکری و خدمتگزاری به حضرت ختمی مرتبت و اهل بیت و عترت طاهره سلام الله عليهم اجمعين این صفحات را نوشته‌ام و چگونه با کمک همسر مهربانم بانو دکتر تاجماه آصفی شیرازی حفظها الله تعالى ادعیه صحیفه مبارکه مندرجه در این مخطوطه را با متن چاپی آن ادعیه در صحیفه مقابله کرده‌ام؟ من بنده، اینک در حقیقت عاجز و افتاده و زمینگیرم. برای آنکه کتابی را از قفسه بردارم چگونه با مشقتی آن را برداشته‌ام و سپس بر جای خودش در قفسه گذاشته‌ام و چگونه همین که نیم صفحه‌ای بنویسم چشمم و دستم خسته می‌شود؟ عزیزان و سروران خواننده، از همه تان برای طلب مغفرت و حسن عاقبت و سهولت امر من و همسر من در این مدت باقیمانده از عمر من، توقع و تمنا دارم و التماس دعا می‌کنم. و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

فیلا دلفیا: احمد مهدوی دامغانی، فقیر فانی عفی عنه و عن والدیه

۲۱ جمادی الثانیه ۱۴۴۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وآله الطاهرين

این مجموعه مخطوطه نفیس که مشتمل است بر چند جزو و معلوم من بنده نشده است که در چه زمانی این اجزاء در یک مجلد صحافی شده است، بسیار مجموعه قابل توجه و مهمی است و حاوی یکصد و دو ورق^۱ است و بر هر ورق دو صفحه مکتوب است. (غیر از ورق ۱۰۲) جزء اول این مجموعه کتابی است به نام کتاب فی قوارع القرآن که آن شامل سه جزو است که در طی آن از آن فقط به قوارع القرآن یاد می شود. دور حاشیه صفحه دوم ورق اول چنین نوشته شده است که: «قوارع القرآن مختارات آی القرآن وسمیت قوارع لأنها تقرع الجن والشياطين». این کتاب تألیف الشیخ الفقیه ابی عمرو محمد بن یحیی بن الحسن رحمه الله است که این بنده در مراجعی که دسترس داشتم نتوانستم او را بشناسم. کاتب این کتاب، ابوعبدالله احمد بن ابی محمد بن ابی احمد الأندرای (کذا) است که: یازده ورق اول این مجموعه شامل جزء اول آن کتاب است و سماع آن به قرأت بر: الفقیه ابی عبدالله احمد بن ابی عمر الزاهد که صاحب آن نسخه بوده است در ظهر روز یکشنبه دوازدهم ماه رمضان سال ۴۲۹ق. در نیشابور انجام یافته است و این جزو مشتمل بر چهل و یک حدیث مسند مسلسل معنعن است.

۱. بر ورق اول و ورق ۱۰۲ چیزی نوشته نشده است.

جزء دوم کتاب از ورق ۱۳ تا ورق ۲۲ را شامل است که به قرائت همان ابی عبداللّٰه احمد بن ابی محمّد بن ابی احمد در شب سیزدهم رمضان سال ۴۲۹ ق. انجام یافته و سماع آن نوشته شده است و این جزو بر سی و هشت حدیث مسند مسلسل معنعن مشتمل است. جزء سوم که مشتمل بر سی و هفت حدیث مسلسل مسند معنعن است و از ورق ۲۳ تا ورق ۳۲ این مجموعه را شامل است در ظهر روز دوشنبه چهاردهم رمضان ۴۲۹ ق. بر استادالأجلّ (؟) الزّاهد ابی محمّد حامد بن احمد قرائت شده است. اینک فهرست آیات مبارکاتی را که موضوع یکصد و شانزده حدیث آن کتاب است به اطلاع خوانندگان ارجمند می‌رساند:

کتاب با این حدیث شریف که ظاهراً متواتر است آغاز می‌شود:

«أخبرنا الأستاذ العالم الزّاهد أبو محمد حامد بن أحمد بن جعفر بن بسطام رضی الله عنه قال أخبرنا... قال أخبرنا... و قال... و قال... عن أبي الملیح عن واثله بن الأسقع^۱ قال رسول الله صلى الله عليه: أعطيت مكان التوراة: السبع الطوال، وأعطيت مكان الإنجيل المنين وأعطيت مكان الزبور المثاني وأعطيت فاتحة الكتاب وخواتيم البقرة من تحت العرش لم يعطها نبي قبلي، وأعطاني ربي المفصل نافلة».

و سپس در طی سی و دو ورق که اجزاء سه‌گانه کتاب قوارع القرآن است، بسیاری از آیات مبارکاتی را که برای آنها فضاییلی و بر تلاوت آنها ثواب و آثار و برکاتی مترتب و روایت شده است به صورت احادیث مسند و معنعنی ذکر می‌کند که از آن جمله آیات ذیل‌الذکر است که همه آن بر طبق اسناد و اسنادی که مؤلف ذکر می‌کند مسلّم الصدور از حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلّم است:

۱) فاتحة الكتاب، مکرراً که گاه از آن به «سبع المثاني» و «القرآن العظيم» یاد می‌شود.

۲) آیات ۲۸۵ و ۲۸۶ سورة بقره، از «آمن الرسول» تا «فانصرنا على القوم الكافرين» که از آن به «خواتيم سورة البقرة» تعبیر می‌شود.

۳) ده آیه از سورة بقره یعنی چهار آیه اول آن و آیه الكرسي و دو آیه بعد از آن و سه

۱... و هو آخر من مات من الصحابة بدمشق (الإصابة) و روى عنه ابوالمليح (الاستيعاب).

آیه آخر آن سوره «مکراً».

(۴) آیه الكرسي مکراً.

(۵) سرآغاز سوره آل عمران.

(۶) آیه ۹۰ سوره نحل، «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (أجمع آیه فی القرآن).

(۷) از آیه دوم سوره طلاق، از: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً» و تمام آیه سوم آن سوره (أشد آیه فی القرآن تفویضاً).

(۸) آیه ۵۳ سوره زمر: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (أكثر آیه فرحاً).

پایان جزء اول کتاب قوارع القرآن (ورق ۱۳ مخطوطه).

که این جزء را در روز دوشنبه سیزدهم رمضان سال ۴۲۹ق. یازده نفر بر الأستاذ العالم الزاهد ابی محمد حامد بن احمد، قرائت کرده‌اند. (رضوان الله عليهم أجمعين) و اسامی آنها به خط یکی از آنها مذکور است.

جزء دوم کتاب قوارع القرآن چنین آغاز می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم فاتحه سوره آل عمران

و فيما أجاز لنا أبو عبد الله الحافظ قال... قال... قال... عن أبي أمامة عن النبي صلى الله عليه وسلم

(۹) قال إنَّ اسم الله الأعظم لفي ثلاث سور من القرآن، في سورة البقرة آية الكرسي: الله لا إله إلا هو الحي القيوم، وفي سورة آل عمران: أَلَمْ يَلَمْ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وفي سورة طه: وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ.

(۱۰) في سورة النساء: وَمَنْ يَعْمَلْ سُوْءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُوراً رَحِيماً (آیه ۱۱۰).

(۱۱) في سورة آل عمران: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ (آیه ۱۳۵). (۱۰) و (۱۱) در یک حدیث.

(۱۲) فاتحه سوره انعام (یعنی ۵ آیه اولیه تا يستهنون) (مجموعاً ۶ حدیث).

(۱۳) إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ (۵۴ اعراف، ۳ یونس).

(۱۴) حسبى الله لا إله إلا هو عليه توكلت و هو ربُّ العرش العظيم (آخرین آیه سوره توبه).

- (۱۵) إِنَّ وَلِيََّ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (۱۹۶ اعراف).
- (۱۶) «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيُّمَا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» تا آخر سوره اسراء (آیات ۱۱۰ و ۱۱۱ سوره اسراء).
- (۱۷) ده آیه ابتدای سوره کهف و ده آیه آخر آن سوره (چندین حدیث).
- (۱۸) وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فاستجبنا له ونجَّيناه من الغمِّ و كذلك نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ (۸۷ و ۸۸ سوره انبیاء) (سه حدیث).
- (۱۹) أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۷۰ سوره حج).
- (۲۰) فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ، وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ، يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (آیات ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ سوره دوم و در ورق ۲۵ جزء سوم).
- (۲۱) سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (سه آیه آخر سوره والصفات).

پایان جزء دوم کتاب قوارع القرآن.

در آغاز جزء سوم (ورق ۲۳) سماع نه نفر به قرائت ابی عبداللہ احمد بن ابی محمّد بن ابی احمد الزّاهد که او بر الأستاذ الإمام الزّاهد ابی محمّد حامد بن احمد ایدہ اللہ تعالی قرائت کرده بوده، در ظهر روز دوشنبه چهاردهم رمضان سال ۴۲۹ق. نوشته شده است.

(۲۲) سی آیه: چهار آیه اول سوره بقره تا «المفلحون» و آیه الکرسی و دو آیه بعد از آن و سه آیه آخر سوره بقره و سه آیه سوره اعراف: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ» تا «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» و آخر آیه سوره بنی اسرائیل و ده آیه اول سوره والصفات تا «ثاقب» و دو آیه از سوره «الرحمن» از «یا معشر الجنّ والإنس» تا «فلا تتصران فبأیّ آلاء ربکمّا تکذبان» و آیات آخر سوره حشر: «لو أنزلنا هذا القرآن على جبل» تا آخر سوره حشر و دو آیه از «قل أوحی»: «وأنّه تعالی جدّ ربّنا ما اتّخذ صاحبه ولا ولدا» تا «سَطَطًا».

(۲۳) ایضاً: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ

الحمد لله رب العالمين» (سه آیه آخر والصفات).

جزء سوم کتاب قواع القرآن با این عبارات آغاز می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم: فاتحه والصفات و غيرها

(۲۴) أخبرني أبو الحسن عبد الرحمن بن إبراهيم بن محمد بن يحيى يقرآن عليه فأقر به قال أخبرنا أبو الحسن أحمد بن محمد بن عبد الله بن حمزة بن الحسن بن زيد بن علي بن خالد بن أحمد المقتول ظلماً ابن المقتول حنقاً والمصلوب غيظاً بن عمار بن ياسر رحمهم الله بنيسابور قال...:

ثلثين آية: أربع آيات من أول سورة البقرة إلى قوله المفلحون، وآية الكرسي و آيتين بعدها و ثلث آيات من آخر «البقرة» و ثلث آيات من «الأعراف»: «إِنَّ رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ» إلى قوله: «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»، و آخر «بنی اسرائیل»: قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن» إلى آخرها و عشر آيات من أول «والصفات» إلى قوله «ثاقب» و آيتين من «الرحمن»، و هي في العدد أربع آيات: «يا معشر الجن والإنس» إلى قوله «فلا تتصران فبأي آلاء ربكما تكذبان»، و من آخر «الحشر»: «لو أنزلنا هذا القرآن على جبل» إلى آخرها و آيتين من «قل أوحى»: «وأنه تعالى جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولداً» إلى قوله: «سَطَطاً».

(۲۵) سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين.

(۲۶) آية الكرسي و آيتين من أول «حتم تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم» (دو روایت).

(۲۷) من قرأ أول ليلة من شهر رمضان: «إنا فتحنا لك فتحاً مبيناً» حفظ في ذلك العام.

(۲۸) از ورق ۲۷ تا ورق ۳۲ که پایان جزء سوم و آخر کتاب قواع القرآن است مشتمل بر سی حدیث در فضیلت تلاوت آغاز سورة «حديد» و پایان سورة «الحشر» و «قل يا أيها الكافرون» و «قل هو الله أحد» (مکرراً) و اینکه آن سورة مبارکه برابر با ثلث قرآن مجید است، و معوذتین، و الهم تنزیل، و تبارک الذي بيده الملك و يس و دخان است. و کتاب چنین ختم می شود: «فرغ من كتبه ابو عبد الله احمد بن أبي محمد بن أبي احمد الأنداري (كذا) ظهيرة

يوم الأحد لثلاث بقين من شعبان سنة تسع وعشرين وأربعمائة.

بخش دوم این مجموعه که از ورق ۳۹ آغاز می شود شامل سی و چهار دعا از ادعیه

صحیفه کامله سجادیه (ع) است و بر آن ورق چنین مکتوب است:

«کتاب فی الدعوات من قیل علی بن الحسین جدّ جعفر بن محمد الصادق أبی علی
رحمة الله علیه و یُسَمَّى کتاب الکامل لحسن ما فیهِ من الدّعاوات، و الأصل لأبی علی
الحسن بن إبراهیم بن محمد الزّامی الهیصمی أسعده الله».

و در وسط ورق اضافه می کند:

«و فی آخره جزء فی باب التذکیر و التّأنیث فی لغة العرب».

و کمی پایین تر این ابیات مکتوب است:

«جمالُ المرءِ إعرابُ اللّسانِ	ولم تُرْ كالفصاحةِ والّبیانِ
إذا ما المرءُ كان له لسانٌ	ولم يُعربْ فلیسَ بذی لسانٍ
إذا غلِطَ الفتی قلبُ المعانی	وخلَطَ فی التلاوة للقرانِ
ویحقّره هُناک مُجالِشوهُ	وإن کان الفلانیّ الفلانی

کاتبه اسحق بن عبدالرحیم

غفرالله له و لوالدیه»

پایان این سی و چهار دُعا در صفحه اول ورق ۷۸ مجموعه است و کاتب آن چنین

می نویسد:

«انتها [كذا] المأثور من الدّعاوات عن زین العابدین و حافد سیّد الخلاق أجمعین
علی بن الحسین بن علی بن أبی طالب خاتم الخلفاء الراشدين و الصلوة علی محمدٍ و
آله الطّیّبین. و کتبه الحسن بن إبراهیم بن محمد الزّامی، فی شوال سنة ستّ عشرة و
أربع مائة غفر الله له و لوالدیه و لجميع المؤمنین و المؤمنات».

این بنده در مراجعی که در دسترس داشتم نام و نشانی از «أبی علی الحسن بن إبراهیم
الزّامی الهیصمی» نیافتم مگر در کتاب الأنساب سمعانی که در نسبت به «الزّامی»
می گوید: «هذه النسبة إلى زام و هی من ناحية نيسابور قصبستان معروفتان يقال لها جام و
باخرز فعربت، فقیل زام و كان بها جماعة من أهل العلم».

از این عبارت سمعانی می‌توان به قدر متیقن گفت که ابوعلی الحسن بن ابراهیم، خراسانی و اهل جام بوده است و حق تعالی به او این توفیق را مرحمت فرموده است که این ادعیه صحیفه را از طریق رجال خود از جناب عمیر بن متوکل روایت کند.

در این سی و چهار دعا همواره جمله دعائیه: «فصلّ علی محمد و آله» یا: «اللّهم صلّ علی محمد و آله» که در فواصل جملات ادعیه صحیفه مطبوع در دسترس همه علاقه‌مندان مذکور است حذف شده است و شکی نیست که رواه این صحیفه مخطوطه همه از رجال تشیع بوده‌اند. زیرا همچنان‌که به عرض خواهد رسید حضرت شیخ الطائفة طوسی رضوان الله علیه از برخی از آنان با عنوان: «جلیل القدر ثقة» تعبیر می‌فرماید. مُضاف آنکه پایانه کتاب با جمله «و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطیبین» آراسته شده است و درباره حذف جملات دعائیه بعداً مطلبی عرض خواهم کرد.

سی و چهار دعائی که در این مجموعه از صحیفه است به ترتیب عبارت است از دعا‌های: اول، سی و هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم، سی و هشتم، سی و نهم، بیست و هشتم، چهل و یکم، سی‌ام، سی و دوم، بیست و چهارم، بیست و ششم، پنجاه و یکم (که ظاهراً در اثر بی‌توجهی صحاف پایان آن دعا در دو صفحه آخر این بخش آمده است)، بیست و هفتم، چهل و چهارم، چهل و پنجم، سی و یکم، سیزدهم، چهاردهم، شانزدهم، ششم، هفتم، سی و پنجم، چهل و سوم، هفدهم، پانزدهم، هجدهم، سی و ششم، سی و سوم، چهل و ششم و بیستم (= مکارم الاخلاق) است.

از وسط صفحه اول ورق ۷۰ تا سه سطر از صفحه دوم آن ورق دعائی است تحت عنوان «و من دعائه فی الشکوی» که چنین دعایی در صحیفه‌های چاپی موجود، وجود ندارد، و مضامین آن شبیه و گاه عیناً همان مضامین و عبارات سرآغاز دعای «أبی حمزه ثمالی (رض)» است که اینک عیناً آن را نقل می‌کنم:

«اللّهم قد أکدی الطلب و أعیت الجیل إلّا عندک و ضاقت المذاهب و انقطعت الطُرُق إلّا إلیک تصرّمت الآمال و انقطع الرجاء إلّا منک؛ و خابت الثقة و أخلف الظنّ إلّا بک. اللّهم فأتی أجد سُبُل المطالب إلیک مُنْهَجَةً و مناهِلُ الرّجاء إلیک مُتَرَعَةً و أبواب الدّعاء إلیک مُفْتَحَةً، و اعلم أنّک لمن دعاک موضع إجابة و للصارخ إلیک بمرصد إغاثة، و أنّ القاصد إلیک لقریب المسافة منک، و مناجاة العبد إیتاک

غیر محجوبه عن استماعک، وَاَنْ فِی اللّٰهفِ اِلٰی جُودک و الرِّضَا بَعْدَتک و الْاِسْتِرَاحَةُ
اِلٰی ضَمَانِکَ عَوْضاً مِّنْ مَّنْعِ الْبَاخِلِیْنَ و مَنَدُوْحَةً عَمَّا قَبِلَ الْمُسْتَأَثِرِیْنَ وَ دَرَکاً مِّنْ خَتَمِ
الْمَوَارِیْبِ^۱ فَاغْفِرْ بِلَا اِلٰهٍ اِلَّا اَنْتَ مَا مَضٰ [کذا] مِنْ ذَنْوِیْ، وَ اعْصِمْنِیْ فِیْمَا بَقِیَ مِنْ
عُمْرِیْ، وَ افْتَحْ لِیْ اَبْوَابَ جُودِکَ الَّتِیْ لَا تُغْلِقُهَا عَنْ اَحْبَانِکَ وَ اَصْفِیَانِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا
اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ».

این بنده نتوانست بداند که این «اصلی» که در تصرف ابی علی الحسن بن ابراهیم الزّامی
بوده است متّخذ و برگرفته از چه مأخذی است که آن مسلماً پیش از سال ۵۱۶ق. که السّید
الأجلّ نجم‌الدین بهاء الشرف ابوالحسن محمّد بن الحسن بن احمد بن علی بن محمّد بن
عمر بن یحیی العلوی الحسینی رضوان الله علیه که اولین راوی از رُواة صحیفه کامله مبارکه
سجادیه(ع) است و علی‌الظاهر چنین می‌نمایاند که غیر از طریق روایت السّید الأجلّ
نجم‌الدین بهاء الشرف که به اسناد خود از جناب عمیر بن متوکل الثقفی روایت می‌کند،
طریق یا طُرُق دیگری از سلسه سند و رُواة برای زیور آل محمّد(ص)، صحیفه کامله سجادیه
نیز وجود داشته است که قطعاً آن طریق در نزد محدّثان و رُواة و فقهایی که در شرق بلاد
اسلامی یعنی ماوراءالنهر و خراسان و خاصّه در نیشابور که از مهمترین معاهد علوم اسلامی
در قرون چهارم و پنجم بوده، معلوم و مشخص بوده است و نمی‌دانم آیا آن آخرین دعای در
آن که عیناً نقل کردم در آن «اصل» به عنوان دعائی از صحیفه کامله بوده است یا نه؟

برای این طریق از روایت که مستند مخطوطه حاضر است، در مقدّمه صحیفه نیز نام آن
رُواة رحمة الله علیهم آمده است و این مقدّمه ظاهراً به علت اشتباه یا سهو یا عدم دقّت و
توجّه صحافی که اوراق یکصد و دوگانه این مجموعه را صحافی کرده است به جای آنکه در
ورق ۳۹ و ۴۰ مخطوطه قرار داده شده باشد در دو ورق ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ آن جای گرفته
است؛ یعنی بعد از مناجات مفصّلی که از حضرت سجّاد صلّو الله علیه در اوراق ۷۸ و
۷۹ و ۸۰ مکتوب است که اینک درباره آن مقدّمه مطالبی به عرض می‌رساند:

در صفحه دوم ورق ۸۱ به خط همان کاتب ادعیه مندرجه در اوراق ۳۹ تا صفحه اول

۱. در زیر «المواریب» نوشته شده: مخادعین (من معانی الختم: المنع. مهدوی)

ورقه ۷۸ چنین آمده است:

«أجاز لي أخى أبو القاسم عبد الله بن محمد بن سلمة الفرهادجردى سلمه الله إن أروى الصحيفة بتمامها عنه، عن أبي بكر الكرماني بروايته عن رجاله كما كتبناه، صح -».

و بعد از این در سه سطر به خط ناسخ دیگری آمده است و ظاهراً این نوشته سالها پس از آن سه سطر نوشته شده است:

«وَقَفَّه الأستاذ الإمام أبو عبد الله أحمد بن أبي عمر الزاهد على مدرسة شيخه الإمام حامد بن أحمد، باب عزره (?) والتولية لعمري بن محمد الحامدي».

و این مقدمه چنین آغاز می شود:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

قال الأستاذ أبو بكر محمد بن علي الكرماني رضي الله عنه، أخبرنا بُنداز بن يحيى بَرَوَزَن قال أخبرني أبو الحسن محمد بن يحيى بن سهل الدهني قال حدثنا أبو علي محمد بن همام بن سهيل الإسكافي قال حدثنا علي بن مالك قال حدثنا أحمد بن عبد الله قال حدثنا محمد بن صالح عن عمير بن متوكل بن هرون قال حدثني أبي المتوكل قال لقيت يحيى بن زيد بن علي بن الحسين رضي الله عنه بعد قتل أبيه و هو مُتَوَجِّه إلى خراسان....»

از این روایة رضوان الله عليهم أجمعين، سه نفر را حضرت شیخ طوسی قدس سره نام برده است و آنان محمد بن همام، و علی بن مالک، و احمد بن عبد الله است بدین شرح:

۱) محمد بن همام^۱ البغدادي يكتي أباعلي و همام يكتي أبابكر: جليل القدر ثقة زوى عنه التلعكبرى و سمع منه أولاً سنة ۳۲۳ و له منه إجازة و مات سنة ۳۳۲.^۲

۱. محمد بن همام بن سهيل بن بيزان [آيا اين كلمه معرب بيژن است؟ (مهدي)] ابوعلي الكاتب أحد شيوخ الشيعة حدث عن محمد بن موسى بن حماد البربري و أحمد بن محمد بن رستم النحوي روى عنه المعافى ابن زكريا الجريري و أبو بكر أحمد بن عبد الله الوزاق الدوري قرأت بخط محمد بن أحمد بن مهدي الإسكافي: مات أبو علي محمد بن همام بن سهيل بن بيزان الإسكافي في جمادى الآخرة سنة ۳۳۲ و كان يسكن في سوق العطش و دفن في مقابر قریش (تاريخ بغداد، خطيب، ردیف ۱۴۸۰).

۲. رجال طوسی، ص ۴۹۴؛ الفهرست، ص ۱۶۷، رقم ۶۱۳.

(۲) علی بن مالک رَوَى عنه ابن همام دعاء الصحیفة.^۱

(۳) أحمد بن عبد الله بن أحمد بن جلین الدَّوری أبو بکر الوراق ثقة^۲. در پاورقی رجال مرحوم علامه محمدصادق بحر العلوم (قدّه) مرقوم فرموده است: «وعن أنساب السمعانی أنَّ أحمد بن عبد الله هذا وُلد سنه ۲۹۹، و أول کتابته للحديث سنة ۳۱۳ و مات فی شهر رمضان سنة ۳۷۹».

این بنده فقط یک عبد الله بن محمد بن سلمة بن حبیب بن عبد الوارث المقدسی الفارابی، را شناختم^۳ و نمی توانم عرض کنم که آیا این شخص همان احمد بن عبد الله است که از محمد بن صالح روایت کرده است یا دیگری است.

از تصریحی که حضرت شیخ طوسی در مورد علی بن مالک و محمد بن همام می فرماید که آنان از رواة صحیفة اند این معنای مهمّ که برای صحیفة مبارکه سجادیة طریق روایتی که أقدم بر طریق روایت «السید الأجلّ نجم الدین بهاء الشرف ابوالحسن العلوی الحسینی رحمه الله» است نیز وجود داشته است و ظاهراً روایتی که برای صحیفة در این مخطوطه است در خراسان و ماوراءالنهر روایت می شده است و رؤاة و شیعیان عراق عرب و نقاط غربی ایران از آن اطلاعی نداشته اند و در مقام استظهار بر این نظر می توان به خالی بودن کتاب مستطاب تحف العقول ابن شعبه حرّانی (رض) از ادعیة صحیفة مبارکه اشاره کرد. والله أعلم.

این مقدمه از: «قال عمیر بن المتوکل بن هرون قال حدّثنی أبی المتوکل قال لقیته یحیی بن زید بن علی بن الحسین رضی الله عنه بعد قتل أبیه» آغاز می شود و به: «فوالله انّی أعلم أنکما ستخرجان کما خرج یحیی و ستقتلان کما قُتل، فأخذنا الصحیفة و قاما و هما یقولان: لا حول و لا قوّة إلّا بالله، و دعا المتوکل بالدفتر. و الصحیفة هی بتمامها بحمد الله و منه و فضله» پایان می پذیرد.

۱. رجال طوسی، ص ۴۸۵؛ تنقیح المقال، ۲۹۰، ردیف ۸۴۴۳.

۲. رجال طوسی، ص ۴۵۵، ردیف ۱۰۵؛ الفهرست، ص ۵۷، رقم ۹۷.

۳. معجم البلدان، یاقوت: فاراب.

در این مقدمه هم، ناسخ یا راوی به جای جمله دعائیه «علیه السلام» یا «سلام الله علیهما» به «رحمهما الله» در مورد حضرات سجاد و باقر و صادق علیهم السلام اکتفا می‌کند، و البته در بعضی از حروف ربط و اضافه با متن موجود مقدمه در صحیفه‌های چاپ‌شده و در بعضی کلمات نیز اختلافاتی وجود دارد، ولی این اختلافات مؤثر در معانی و مفاهیم جملات نمی‌شود. ولی چرا این مقدمه کوتاه‌تر از مقدمه روایت السید الأجل نجم‌الدین بهاء الشرف است؟ آیا رواة این مخطوطه مسأله اینکه در روایت بهاء الشرف است که:

«إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخَذَتْهُ نَعْسَةٌ وَهُوَ عَلَى مَنْبَرِهِ، فَرَأَى فِي مَنَامِهِ رَجُلًا يَتَزَوَّنَ عَلَى مَنْبَرِهِ نَزْوُ الْقِرْدَةِ يُرَدُّونَ النَّاسَ عَلَى أَعْقَابِهِمُ الْقَهْقَرَى، فَاسْتَوَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا وَالْحُزْنَ يُعْرِفُ فِي وَجْهِهِ، فَأَتَاهُ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهَذِهِ الْآيَةِ: "وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا" يَعْنِي أُمِيهِ... الخ»

تا آخر مقدمه مطبوعه را عمداً از اصل روایت حذف کرده‌اند؟ یا آنکه در آن اصل نیز این فقرات نبوده است؟ بنده نمی‌تواند اظهارنظری کند مگر به احتمالاتی که عبارت است از:

۱) امکان اینکه در «اصل» که مخطوطه از آن رونویس کرده است این جملات دعائیه نبوده است که بسیار بعید می‌نماید.

۲) فراموش نشود این مخطوطه در نیشابور و در سالهای پادشاهی سلطان محمود غزنوی نوشته شده است، پادشاهی که به دشمنی با شیعه اثناعشری و زیدی مشهور است و قساوت و تعصب نامحمود مشؤم او هزاران بیگناه را فقط به جرم تشیع و دوستی محمد و آل محمد علیهم السلام کشته و به دار آویخته است. آیا می‌توان احتمال داد که ناسخ نسخه که به قول خاقانی (ره) «علوی دوست» بوده، به تقیه و از ترس آن حکام «اموی دوست» آن جملات دعائیه را در مقدمه متن و نزول جبرئیل (ع) را بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مسأله بنی امیه لعنهم الله را حذف کرده و ننوشت باشد؟ نمی‌دانم.